



## Qarar in International Oil and Gas Contract

Mohammad Hossein Esfandiarpour\*

Ahmad Shabani\*\*



10.30497/ifr.2023.243806.1848




### Abstract


International Petroleum Contracts (IPCs) has been made between Host Countries (HCs) and International Oil Companies (IOCs). By this kind of contracts, IOCs provide financial resources, technology and management necessary for oil and gas fields' development and benefit from the produced oil and gas. Needless to say, due to various and broad operations, unpredictable increase and decrease in market prices, unforeseeable reservoir behavior, and in one word, Because of major technical and financial risks, there is a great uncertainty in both sides of the contract, the amount and conditions of investment and outcomes. From the Islamic jurisprudence viewpoint, those risks would cause "Qarar" and affect the validity of contract. For reviewing abovementioned hypothesis, first, the precedent studies has been examined and the consequent is only those uncertainties that may lead to dispute from common sense view would enter "Qarar" into the contract. After that, this measurement is applied to the IPC's contents. At the end, it is concluded that it is not necessary for parties to know every aspect of the contract and its outcome in full and they could put the contract out of the "Qarar" area by implementing risk management tools such as price formulas, Adjustment terms and industrial standards. In other word, according to the oil and gas professionals' course of conduct such risks could be waived and consequently, the common risks of these contracts can not affect their validity totally.

### Keywords

Risk; Qarar; International Petroleum Contracts.

JEL Classification: K12.

\* PhD Student, Management of International Oil and Gas Contracts, Department of Energy Economics, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. (Corresponding Author). mh.esfandiarpour@isu.ac.ir  0009-0007-9668-7466

\*\* Associate Professor, Faculty of Islamic Studies and Economics, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. shabani@isu.ac.ir  0009-0007-5997-5362

## بررسی قاعده غرر در «قراردادهای بین‌المللی نفتی»

احمد شعبانی\*\*

محمد حسین اسفندیارپور\*

### چکیده

«قراردادهای بین‌المللی نفتی» فی‌مابین کشورهای صاحب منابع نفت و گاز و شرکت‌های بین‌المللی نفتی منعقد می‌گردد؛ تا این شرکت‌ها منابع مالی، فناوری و دانش مدیریت خود را برای بهره‌برداری از این منابع به‌کار گیرند و درازای آن، از بخشی از تولیدات میدان منتفع می‌شوند. بدیهی است در غالب موارد، به دلیل تنوع و گستره عملیات لازم، فراز و نشیب قیمت‌ها، رفتارهای خاص مخزن و به‌طور خلاصه وجود ریسک‌های فنی و مالی، مقدار دقیق سرمایه‌گذاری لازم برای رسیدن به سطح تولید موردنظر و نهایتاً مقدار تولید میدان دقیقاً قابل تعیین نیست. از این رو به‌نظر می‌رسد، این عقود غرری بوده و صحت آن محل تردید است. برای بررسی این فرضیه، از مطالعه پژوهش‌های پیشین روشن شد، ملاک غرری بودن معاملات وجود خطر و جهل منجر به اختلاف است که عرفاً قابل مسامحه نباشد. سپس این ملاک با ویژگی‌های خاص قراردادهای بین‌المللی نفت تطبیق داده شد. نتیجه اینکه علم اجمالی ناشی از به‌کاربردن ابزارهایی مدیریت ریسک در این قراردادها (مانند فرمول‌های تعیین قیمت، شرط تعدیل و تعیین استانداردهای مشخص برای اجرای عملیات) برای دور کردن غرر از این عقود کفایت می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، عرف حرفه‌ای فعالان صنعت نفت و گاز، در این قراردادها با وجود علم اجمالی نسبت به آینده، ریسک‌ها و خطرات احتمالی را قابل مسامحه و چشم‌پوشی می‌داند و در نتیجه حکم کلی بطلان قراردادهای بین‌المللی نفت به دلیل غرری بودن آن مورد قبول نیست.

**واژگان کلیدی:** ریسک؛ قاعده غرر؛ جهل؛ قراردادهای بین‌المللی نفت.

\* دانشجوی دکتری، مدیریت قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز، گروه اقتصاد انرژی، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول) mh.esfandiarpour@isu.ac.ir

\*\* دانشیار، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، ایران shabani@isu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۱

مقاله مدت ۱۰ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

#### مقدمه

عقود و معاملات از جمله اسبابی هستند که طرفین می‌توانند با قصد خود، آثار قانونی خاصی را انشا نموده و برپاساس آن کسب‌وکاری مشروع و سودآور داشته باشند. وجود شرایط اساسی صحت معاملات<sup>۱</sup>، همسویی بانظم عمومی و اخلاق حسنه و به‌طور خاص عاری بودن از شرایط قمار، ربا و غرر از جمله مقررات امری است که در هیچ‌یک از معاملات، طرفین نمی‌توانند برخلاف آن توافق کنند.

براساس حدیث مشهور نبوی، «نهی النبی عن الغرر» (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص. ۶۸) یا «نهی النبی عن الغرر» (نائینی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص. ۴۶۷)، شرع همواره مردم را به معاملاتی تشویق می‌کند که طرفین نسبت به موضوع معامله آگاهی و اطمینان داشته باشند و در واقع آن‌ها را از وارد شدن به قراردادهایی که به‌واسطه جهل یا ابهام، خطر یا احتمال اذسرترفتن سرمایه وجود دارد، نهی می‌کند. حدیث فوق مبنای یک قاعده فقهی پذیرفته‌شده، تحت‌عنوان قاعده نفی غرر در معاملات است که به‌عنوان یک اصل اجماعی پذیرفته‌شده اما در تعریف، حوزه تأثیر و مصادیق غرر اختلافات جدی وجود دارد؛ از این‌رو، در مواجهه با عقود مستحدثه، بررسی غرری بودن این قراردادها از نخستین پرسش‌های پژوهشگران است.

#### ۱. سؤال پژوهش

به‌طور مشخص این ابهام در مورد قراردادهای بین‌المللی نفتی مطرح است که آیا با توجه به تنوع و گستره عملیات لازم، فراز و نشیب قیمت‌ها، رفتارهای خاص مخزن و به‌طور خلاصه وجود ریسک‌های فنی و مالی، مقدار دقیق سرمایه‌گذاری لازم برای رسیدن به سطح تولید موردنظر و نهایتاً مشخص نبودن میزان تولید میدان، انعقاد چنین قراردادهایی صحیح است؟

#### ۱-۲. فرضیه

در پاسخ به این سؤال این فرضیه مطرح می‌شود که این عقود غرری بوده و صحت آن محل تردید است. برای بررسی این فرضیه در این پژوهش ابتدا به بررسی موشکافانه

۱. ماده ۱۹۰ قانون مدنی: برای صحت هر معامله شرایط ذیل اساسی است: ۱- قصد طرفین و رضای آن‌ها؛

۲- اهلیت طرفین؛ ۳- موضوع معین که مورد معامله باشد؛ ۴- مشروعیت جهت معامله.

مفهوم لغوی و اصطلاحی غرر خواهیم پرداخت و از این رهگذر در بخش دوم تلاش خواهیم کرد ضابطه و ملاک غرر را استخراج نموده و نسبت آن به قراردادهای نفتی را مشخص نماییم.

### ۳-۱. سابقه پژوهش

مقاله‌های بسیاری در تبیین مفهوم و قاعده غرر یا نسبت‌سنجی آن با عقود جدید به رشته تحریر درآمده است، از جمله:

موسوی بجنوردی و شیرازی (۱۳۷۸) در مقاله‌ای با عنوان «ابهام و لزوم رفع آن از مورد معامله»، رفع ابهام از مورد معامله را به دلیل نهی غرر، ضروری دانسته‌اند.

نوری (۱۳۷۹) در مقاله‌ای با عنوان «بیع با ثمن شناور»، مسأله جهل در ثمن را به‌عنوان یکی از عناوین جهل موردبررسی قرار داده و نهایتاً تعیین قطعی و نهایی ثمن یا روشن بودن سازوکار تعیین قیمت را یکی از شروط خروج معامله از غرر دانسته است.

طالب احمدی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر غرر در معاملات»، معاملات غرری را معامله توأم با خطر معرفی کرده است که طرفین معامله در هنگام انعقاد آن، توانایی تشخیص سودده یا زیانده بودن معامله را ندارند.

علیدوست (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده نفی غرر در معاملات»، اشتراط قدرت بر تحویل عوضین، اشتراط علم به کم و کیف عوضین، اشتراط علم به اموری چون زمان و مکان تحویل را از مصادیق قاعده نفی غرر در بیع بیان کرده است.

مصباحی‌مقدم و رستم‌زاده گنجی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه»، شبهه غرری بودن مبادله اوراق اختیار معامله را به‌عنوان نوعی از بیع حق، رد می‌کنند.

نظرپور، یوسفی شیخرباط و ابراهیمی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران»، شاخص‌هایی برای نظارت بر ممنوعیت غرر در قراردادها ارائه کرده‌اند.

مسجدسرایبی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فقهی حقوقی مبنای غرر در بیمه»، غرر و ریسک ذاتی موجود در عقد بیمه را از آنجاکه طرفین آن را عالمان و عامداً پذیرفته‌اند، به رسمیت شناخته است.

صفایی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در مورد معامله»، ضابطه تخصیص بر اصل لزوم وجود علم تفصیلی برای نفی غرر را عرف می‌داند.

بهرامی احمدی و نجف‌آبادی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «معیار تعیین مصادیق مستثنی شده از اصل لزوم علم تفصیلی به مورد معامله» ضابطه ورود تخصیص بر ماده ۲۱۶ قانون مدنی<sup>۲</sup> را عرف دانسته‌اند.

بداوی<sup>۳</sup> (۱۹۹۸م) غرر را عدم‌طمینان دانسته است.

وگل و هایز<sup>۴</sup> (۱۹۹۸م) معتقداند که همانند ربا تشخیص دقیق محدوده غرر امکان‌پذیر نیست.

السویلیم<sup>۵</sup> (۲۰۰۰م) قاعده غرر را یک بازی بازدهی نامطمئن معرفی کرده است. او ریسک را به دو دسته غیرقابل‌تحمل و قابل‌تحمل طبقه‌بندی کرده و ریسک غیرقابل‌تحمل را منافی مبانی شریعت و غرری دانسته است.

الجمال<sup>۶</sup> (۲۰۰۱م) غرر را معادل نااطمینانی و ریسک دانسته و از بیع غرری به‌عنوان بیع در شرایط نااطمینانی یاد می‌کند.

الساعتی<sup>۷</sup> (۲۰۰۳م)، نیز معاملاتی را غرری و نهی شده می‌داند که همانند معاملات مبتنی بر قمار و شرط‌بندی، منجر به ایجاد نزاع و اختلاف شود.

چپرا<sup>۸</sup> (۲۰۰۸م) از غرر به‌عنوان نااطمینانی مضاعف یا نااطمینانی و ریسک ناشی از جهل یا نقصان اطلاعات یاد می‌کند.

عدنان و عویضه (۱۴۳۱ق) پذیرش ریسک را صرفاً وقتی پذیرفتند که ریسک همراه با افزایش دارایی باشد و در غیراین صورت آن را مانند معاملات غرری غیرقابل‌پذیرش دانسته اما ریسک موجود در عقود بیمه و تکافل و مشتقات را پذیرفته‌اند.

#### ۴-۱. ضرورت و بیان مسأله

۲. ماده ۲۱۶ قانون مدنی: مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است

3. Badawi  
4. Vogel & Hayes  
5. Al-Suwailim  
6. Al-Gamal  
7. Al-Saati  
8. Chapra

هرچند مقاله‌های متعددی در مورد غرر نگاشته شده، اما به‌طور خاص قراردادهای بین‌الملل نفت که نقش عمده‌ای در اقتصاد جوامع اسلامی و جمهوری اسلامی ایران دارند، از حیث غرری بودن مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند.

در قراردادهای بین‌المللی نفت شرکت‌های بین‌المللی نفت منابع مالی، فناوری و دانش مدیریت خود را برای بهره‌برداری از منابع نفت و گاز کشورهای میزبان به‌کار گیرند و درازای آن، از بخشی از تولیدات میداین نفت و گاز منتفع شوند.

با لحاظ شرایط شناخته‌شده حاکم بر صنعت نفت و گاز، به دلیل تنوع و گستره حوزه عملیات، فراز و نشیب قیمت‌ها، رفتارهای غیرقطعی مخزن و به‌طور خلاصه وجود ریسک‌های فنی و مالی، شرایط و مقدار دقیق سرمایه‌گذاری لازم برای رسیدن به سطح تولید موردنظر و درنهایت، شرایط و مقدار تولید میدان به‌طور قطعی قابل تعیین نیست. از این رو یکی از قوی‌ترین فرضیه‌های موجود در این زمینه این است که صحت معاملات مذکور به دلیل خطر و جهل فراوان نسبت به نتایج آن دچار اشکال است.

در این راستا ضمن بررسی معنای لغوی و اصطلاحی غرر، دیدگاه فقها در مورد ضابطه غرری بودن معامله با تأکید بر قراردادهای بین‌المللی نفت مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. روش تحقیق به‌کاررفته در این مقاله براساس گردآوری و تحلیل داده‌ها، توصیفی است.

## ۲. مفهوم و ضابطه غرر

### ۲-۱. معنای لغوی و اصطلاحی غرر

○ الف) معنای لغوی «غرر» مبنای برخی اختلاف‌نظرها در میان اندیشمندان را روشن می‌سازد.

زبیدی تغیر را به هلاکت کشاندن خویش در اثر جهل می‌داند (زبیدی، ۱۳۰۶ق، ج ۳، ص. ۴۳۳). ابن اثیر، غرر را همان خطر دانسته است (ابن اثیر، ۱۳۸۴، ص. ۳۵۵). از امیرالمؤمنین علیه‌السلام نقل شده که غرر عملی است که شخص از نتیجه و زیان آن در امان نباشد (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۷۸؛ نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، ص. ۳۸۷). از نظر مصطفوی بیع غرری، بیعی است که در آن خطری وجود دارد که مشتری نسبت به آن جاهل است (مصطفوی، ۱۴۰۲ق، ج ۷، ص. ۲۰۷). الخوری الشرتونی بیان داشته

که غرر به معنی در معرض خطر بودن است (الخوری الشرتونی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۸۶۷). جوهری ضمن اذعان به برابری خطر و غرر، به این نکته اشاره کرده که در معنای غرر، غفلت و نیرنگ نیز نهفته است (جوهری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص. ۷۶۸). از نظر فراهیدی «غرر بماله» یعنی مال را به خطر انداخت (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص. ۳۴۶). الضریر نیز غرر را هرچیز «مستور العاقبه» دانستند (الضریر، ۱۴۱۰ق، ص. ۲۸). راغب اصفهانی نیز غرر را از ریشه الغر و به معنای خطر دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص. ۶۰۴). ابن منظور غرر را نیرنگ و فریب معنی و بیع غرری را بیع مشتمل بر مخاطره تفسیر کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص. ۱۳). از نظر الطریحی، غرر به معنای در معرض هلاکت و تباهی قرار دادن چیزی است (الطریحی، ۱۴۱۶ق، ص. ۴۲۳). نراقی نیز غرر را به معنای خطر بیان کرده است. (نراقی، ۱۴۱۶ق، ص. ۹۳). در میان منابع فارسی، غرر به معنای هلاکت (دهخدا، ۱۳۲۵، ج ۳۱، ص. ۱۴۸) یا معنای خطر یا فریب خوردن (معین، ۱۳۶۰، ج ۲، ص. ۲۴۰۰) یا آن چیزی که مایه تلف کسی یا چیزی باشد، آمده است (عمید، ۱۳۵۶، ص. ۵۳۷).

همه معانی ارائه شده را می توان در سه دسته خلاصه کرد: اول به معنای خدعه، غفلت یا جهالت؛ دوم به معنای خطر؛ و سوم مصادیق شیء خطری که از میان آنها معنای دوم یعنی خطر توسط تعداد بیشتری از صاحب نظران پذیرفته شده است.

○ (ب) غرر در اصطلاح بیشتر به همراه بیع به عنوان یکی از رایج ترین عقود آمده است و حدیث نبوی «نهی النبی عن الغرر» نیز به همین مسأله اشاره دارد؛ اما روشن است که بیع در این باره خصوصیتی ندارد و غرر در هر عقد معوضی منجر به بطلان آن می گردد؛ و روایت «نهی النبی عن الغرر» نیز که به طور عام غرر را نفی می کند و اشاره مستقیمی به بیع ندارد، مؤید همین مسأله است. از این رو غرر اختصاص به بیع ندارد و سیره متشرعه که متصل به زمان معصوم بوده و نوعی سنت تقریری و حجت است، غرر را در تمام معاملات معوض مؤثر می داند (شیخ انصاری، ۱۴۱۰ق، ج ۱۱، ص. ۶۵؛ محمدی، ۱۳۷۳، ص. ۷۳). به عنوان مثال در اجاره عقار و اراضی نیز دفع غرر لازم شمرده شده است (محقق حلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص. ۴۱۹). همچنین در باب مضاربه نیز لازم است که سرمایه معلوم باشد و از آن رفع جهالت شود. به بیان بهتر در عقود مغابنی که هدف طرفین کسب سود است، لازم بوده غرر از ناحیه عوضین با معلوم

شدن منفعت از بین برود (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص. ۳۳۳). با این اوصاف نهی غرر حصر در موضوع بیع ندارد و سایر عقود معاوضی را هم در برمی‌گیرد و به نظر می‌رسد که نهی از باب غلبه بیع به‌عنوان یکی از معاملات پرکاربرد به این عقد نسبت داده شده است.

طوسی بیعی را که یکی از طرفین در وجود مبیع، قدرت تسلیم، اوصاف مبیع یا زمان تحویل جهل داشته باشند، غرری و باطل می‌داند (طوسی، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۶). حلی برای توضیح یک معامله غرری به بیع پرنده‌ای که قدرت بر تسلیم آن نیست اشاره می‌کند. (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص. ۵۶۶)؛ به‌عبارت‌دیگر جهل در هرکدام از ارکان معامله موجب غرر و بطلان می‌گردد. محقق ثانی با الغای خصوصیت از بیع، جهالت در انواع قراردادها را موجب غرر و بطلان عقد می‌داند (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۱۰۵)؛ زیرا به دلیل رفع زمینه مخاطره و تنازع در معاملات، شارع معاملات غرری را باطل می‌داند. از نظر شهید اول غرر در شرع به‌معنای جهل در رسیدن شیء به‌دست منتقل‌الیه است. پس اگر حصول چیزی مجهول باشد آن معامله غرری است (شهید اول، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۱۳۷). حدیث مشهور نبوی در کتب روایی عامه، مانند صحیح مسلم، سنن ابی‌داوود، سنن نسائی و مسند احمد بن حنبل نیز آمده است (نراقی، ۱۴۱۶، ص. ۹۳). حنفیه غرر را چیزی می‌داند که علم نسبت به آن بر شخص پوشیده است. شافعی غرر را چیزی می‌داند که عاقبت آن مشخص نیست. شافعی نیز جهل نسبت به اوصاف و مقدار آنچه در ذمه شخص است را غرر دانسته است (موسوعه الفقهاء، ۱۴۱۴ق، ج ۹، صص. ۱۸۹-۱۸۶). کمتر عملی است که بشر انجام دهد و از ریسک و مخاطره خالی باشد، اما غرر نهی شده، مخاطره فاحش و فوق‌العاده را شامل می‌شود. در همین راستا حنفی‌ها برخلاف دیگران، هیچ‌گاه به‌صرف جهل حکم به بطلان عقد ندادند، بلکه فقط جهلی را در معامله دچار مشکل دانستند که به ایجاد مشکلی در اجرای عقد بیانجامد (تسخیری، ۱۳۹۲).

به‌نظر می‌رسد در تفاسیر فوق از غرر، اغلب به‌معنای حقیقی آن اشاره نکردند، بلکه برخی مفهوم غرر، برخی دیگر ملزومات تحقق غرر و گروه سوم هم مصادیق آن را بیان کرده‌اند؛ اما آنچه از ظاهر استعمال این واژه و کاربردهای آن برمی‌آید این است که معنای غرر بسیار به فریب و نیرنگ نزدیک است؛ و خطر، غفلت و در معرض



ضرر قرار گرفتن از لوازم آن است. البته از آنجا که هیچ‌کس با علم به نیرنگ طرف مقابل قراردادی منعقد نمی‌کند، نهی از امری که در اراده طرفین وارد نمی‌شود، بیهوده است و متعلق حدیث نبوی نیست؛ به عبارت دیگر، فریب خوردن امری ارادی نیست تا بتوان از آن نهی نمود، پس نهی از غرر به معنای نهی از در معرض خطر قراردادن خود است.

## ۲-۲. ضابطه و ملاک غرر

شهید اول برای اولین بار هدف از نهی غرر را پیش‌گیری از تنازع عنوان می‌کند (شهید اول، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۱۳۷)؛ به عبارت دیگر ضابطه غرر در معاملات جهالتی است که منتهی به نزاع می‌گردد. محقق کرکی نیز رفع نزاع را فایده معلوم بودن ارکان قرارداد می‌داند (محقق ثانی، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص. ۱۰۵). شهید ثانی نیز جهالت منجر به ایجاد نزاع بین طرفین معامله را، غرر دانسته است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص. ۱۷۸). شیخ‌انصاری بر این باور است که نهی شارع نسبت به معامله غرری، به دلیل از بین بردن زمینه مخاطره و تنازع بوده؛ به عبارت دیگر از منظر ایشان جهالت منتهی به خطر و نزاع، مرز قاعده غرر است (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۸۲). صاحب جواهر از دیدگاهی دیگر جهالت منتهی به خطر را ضابطه معامله غرری می‌داند (نجفی، ۱۴۰۰، ج ۲۲، ص. ۳۸۸).

از طرف دیگر برخی صاحب‌نظران به این نکته اشاره دارند که، مطلق وجود جهالت در معامله، غرر نیست، بلکه هرگاه در معامله‌ای یکی از عوضین در معرض خطر یا هلاکت و تلف قرار گیرد یا در مورد دریافت یا وجود آن‌ها اطمینان وجود نداشته باشد، غرر اتفاق می‌افتد. در واقع در غرر، خطری نهفته است که منجر به ضرر می‌شود (نراقی، ۱۴۱۶ق، ص. ۹۳)؛ به عبارت دیگر اگر جهل نسبت به یک از ارکان معامله مخاطره‌ای در بر نداشته باشد، غرری نیز وجود نخواهد داشت و عقد صحیح است (نراقی، ۱۴۲۲، ص. ۳۰۱)؛ اما مقصود از خطر، احتمال وقوع ضرری است که عقلاً از آن اجتناب می‌کنند و این غیر از احتمال ضعیفی است که مردم به آن بهایی نمی‌دهند. حال منشأ این احتمال می‌تواند جهل نسبت به هر کدام از ارکان عقد باشد یا عدم اطمینان در مورد تعادل عوضین. در واقع در این حالت می‌توان به وضوح تشخیص داد که فلسفه ممنوعیت معاملات غرری از نظر شرع، مسدود کردن طریق منازعه میان طرفین است (مراغی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۳۱۴). پس خطر مقصود

در اینجا خطری است که از نظر عقلاً اجتناب از آن لازم است و نه احتمال ضعیفی که عرف توجهی به آن ندارد. پس احتمال مؤثر در تحقق بیع غرری از این امور ناشی می‌شود:

- ۱- عدم اطمینان نسبت وجود مال؛ ۲- احتمال ضرر و عدم وثوق نسبت به امکان تسلیم مبیع حتی اگر مبیع معلوم الوجود باشد؛ ۳- جهل نسبت به احد اوصاف مبیع مانند مقدار، جنس یا وصف. از همین روی برخی از فقها غرر را خدعه می‌دانند که ظاهری پسندیده و باطنی ناخوشایند دارد (غروی اصفهانی، ۱۴۰۹ق). امام خمینی (ره) در تأیید نظر غروی اصفهانی این‌گونه می‌نویسد: «معانی غرر همچون: آنچه ظاهری فریبنده و باطنی مجهول دارد، خطر، غفلت، آنچه انسان از ضرر آن ایمن نیست، آنچه مورد اعتماد نیست و جهالت که از طرف اهل لغت و فقیهان مطرح شده است، همگی به معنای خدعه برمی‌گردد و در حدیث نبوی مناسب‌ترین معنا برای غرر، معنای خدعه است» (موسوی خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص. ۲۹۸). به‌رحال غرر یا خود جهل است یا جهل منتهی به خطر که در دو حال ارشاد به سمت فساد معامله است (جوادی آملی، ۱۳۹۱-۱۳۹۲). غرر گاهی جهل نسبت به وجود مورد معامله و گاه جهل نسبت به حصول مورد معامله است. البته غرر مساوی جهل نیست و مقصود اصلی از آن خطر است؛ بنابراین جهل در همه جا مانع نیست و صرفاً جهل منجر به خطر، غرر خواهد بود (سبحانی، ۱۳۸۸). با این وصف دیگر در مورد عقد بیمه شبهه غرری بودن مطرح نیست، زیرا جهل در صورتی مانع است که ایجاد خطر کند. به‌عنوان یک مسأله روشن و مورد اتفاق، غرر با خطر رابطه نزدیکی دارد. منشأ این خطرگاه جهالت نسبت به یکی از عوضین یا مورد معامله است و گاه لاابالی‌گری یکی از طرفین، برای مثال گاهی نسبت به مورد معامله علم کامل داریم، اما در مورد قدرت تسلیم و وفای به عهد طرف اطمینان نداریم و این نیز نوعی غرر است.

همه نظرات فوق را می‌توان در سه دسته اصلی تقسیم‌بندی کرد. دیدگاه اول جهالت صرف در ارکان قرارداد را منجر به غرر و بطلان معامله می‌دانند؛ دیدگاه دوم ضابطه غرر را جهالت منتهی به نزاع دانسته‌اند. به عبارت دیگر هر جهالتی را غرر نمی‌دانند، بلکه در صورتی که جهل این نگرانی را ایجاد کند که میان طرفین کشمکش و اختلافی پیش بیاید، غرر تلقی می‌شود؛ دیدگاه سوم جهل همراه با احتمال خطر را غرر می‌دانند.

به نظر می‌رسد از میان تعاریف مذکور دیدگاه‌های دوم و سوم مکمل یکدیگرند. به این ترتیب که غرر هر جهالتی خواهد بود که با خطر و احتمال نزاع همراه باشد. البته

ملاک حد و اندازه این خطر نیز التفات عرف است. به بیان دیگر اگر عرف خطر را غیر قابل تسامح تلقی کند و از آن گذشت نکند (نجفی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۲، ص. ۳۸۷؛ شهید ثانی، ۱۴۲۲ق، ص. ۹۶). پس همان‌طور که مشخص شد احتمال کم‌ضرر که در هر معامله‌ای وجود دارد و عقلاً به امید دستیابی به سود از آن ضرر کم چشم‌پوشی می‌کنند، غرر نیست. (شیخ‌انصاری، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص. ۱۸۲). البته لازم به ذکر است که دایره غرر در شرع از دایره آن در عرف مضیق‌تر است (نجفی، ۱۳۵۹، ص. ۳۳). این بدین معناست که عرف منضبط را باید مبنا قرار داد و به دلایل شخصی، تسامح در یک معامله پذیرفته شده نیست. یکی از مهم‌ترین مصادیق قاعده غرر در فقه جهل طرفین نسبت به وجود یا مقدورالتسلیم بودن عوضین معامله است. از این مسأله در حقوق تحت‌عنوان «قاعده لزوم وجود علم به مورد معامله و رفع جهل متعاقدین نسبت به آن» یاد شده است (بهرامی و نجف‌آبادی، ۱۳۹۵، ص. ۸۵). این قاعده به عقیده بعضی از حقوق‌دانان راجع به کلیه قراردادها بوده مگر آنکه قانون به جهتی علم اجمالی را کافی و به تفصیل معلوم بودن مورد معامله را لازم نداند (امامی، ۱۳۶۸، ص. ۲۱۳). براساس این نظریه در همه عقود وجود علم تفصیلی لازم است. عده‌ای دیگر از حقوق‌دانان در عین اذعان به اینکه قانون باید موارد استثنا از قاعده مذکور را مشخص کند، معتقدند که می‌توان با اخذ ملاک از موارد ذکر شده در قانون، محدوده استثنا را به عقود بیشتری گسترش داد. براساس این نظریه، هر جا بحث بر سر عقد از دسته عقود مسامحی (و نه مغابنی) یا ارفاق و احسان باشد، علم اجمالی کفایت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۱، ص. ۱۸۵). اما این دیدگاه پذیرفته شده نیست، چراکه مثال نقض آن عقد مضاربه است؛ یعنی با وجود اینکه مضاربه از عقود مغابنی است، اما قانون‌گذار علم اجمالی در آن را کافی می‌داند.<sup>۹</sup> همین دسته به‌عنوان یک ضابطه برای کفایت علم اجمالی به عرف استناد کرده‌اند (صفایی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۴). اما به نظر می‌رسد که در موارد سکوت قانون مطابق اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده سوم قانون آیین دادرسی مدنی، عرف در نظام حقوقی ایران فقط وقتی پذیرفته است که در چارچوب منابع شرعی باشد و نمی‌توان مانند بعضی نظام‌های حقوقی دنیا (نظام حقوقی انگلیس) هر عرفی را پذیرفت (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۱، ص. ۱۶). پس از آنجاکه حجیت عرف در مقام کشف حکم

۹ ماده ۵۵۳ قانون مدنی: در صورتی که مضاربه مطلق باشد یعنی تجارت خاصی شرط نشده باشد عامل می‌تواند هر قسم تجارتي را که صلاح بداند بنماید ولی در طرز تجارت باید متعارف را رعایت کند.

درگرو احراز استمرار آن تا زمان معصوم<sup>علیه‌السلام</sup> و امضا یا عدم ردع ایشان است (صدر، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص. ۲۳۶)، با استدلال طرح‌شده احراز چنین شرطی در مورد همه قراردادهای محل تردید جدی است.

نظر به اینکه علم اجمالی در حقوق مدنی عبارت از حالتی است که در آن، در یک مورد دو جهت متمایز وجود دارد، یک‌جهت علمی و جهت دیگر تردیدی؛ یعنی از یک‌جهت علم حاصل است و در جهت دیگر تردید وجود دارد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص. ۴۶۸)، به‌عنوان یک ضابطه برای کفایت علم اجمالی در عقود می‌توان گفت که ماده ۲۱۶ قانون مدنی، به قاعده غرر اشاره دارد. توضیح اینکه با توجه به معنای پذیرفته‌شده برای غرر، هرگاه جهل نسبت به عوضین یا یکی از اوصاف اساسی آن‌ها، برای متعاقدين، ایجاد مخاطره نموده و احتمال ایراد ضرر را بالا ببرد، علم اجمالی کفایت نمی‌کند.

علامه حلی در تذکره، ملاک را چیزی می‌داند که با تفاوت آن، قیمت تغییر می‌کند و این حمزه در الوسيله ملاک را چیزی می‌داند که با تفاوت آن، تفاوت رغبت حاصل می‌شود. (سبحانی، ۱۴۲۳ق، ص. ۷۸) دیدگاه موجه‌تر در تعیین مخاطره‌آمیز بودن جهل، رجوع به عرف است (کاشف الغطاء، بی‌تا، ج ۴، ص. ۲۳۱)؛ بدین معنی که غرر نفی شده، آن تفاوتی است که اگرچه اندک باشد، عرف از آن گذشت نمی‌کند (نجفی، ۱۴۰۰ق، ج ۲۲، ص. ۴۰۸). ماده ۳۴۲ قانون مدنی<sup>۱۰</sup> نیز از همین ملاک تبعیت کرده است و معین بودن مبیع و علم نسبت به آن را تابع عرف می‌داند. برخی این رابطه را عموم و خصوص مطلق و عده‌ای دیگر آن را یک رابطه طولی می‌دانند (موسویان و علیزاده، ۱۳۹۴، ص. ۵). هرچند که جهل منشأ ایجاد غرر است اما علت تامه برای تحقق غرر نیز هست؟ همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد هدف و فایده قاعده نفی غرر جلوگیری از نزاع و مسدود کردن مسیر اختلاف و از بین رفتن ضرر احتمالی است؛ بنابراین صرف جهل نمی‌تواند ملاک مناسبی برای غرر باشد و غرر باید با خطر جدی و غیرقابل تسامح از نظر عرف، همراه باشد. به‌عبارت‌دیگر اگر معامله یا طرفین در معرض خطری باشند که در هنگام نزاع نتوان راه‌حلی برای آن پیدا کرد، حاصل این معامله غرر است. پس بنا به نظر فقها غرر در عقود وقتی محقق می‌شود که جهل منتهی به خطر، معامله یا یکی از عوضین را تهدید کند و در

۱۰. ماده ۳۴۲ قانون مدنی: مقدار و جنس و وصف مبیع باید معلوم باشد و تعیین مقدار آن به وزن یا کیل یا عدد یا ذرع یا مساحت یا مشاهده، تابع عرف بلد است.

مقابل با عوض معامله از نظر ارزش، تناسب نداشته باشد. به عبارت دیگر اساساً جهل و خطری که منجر به زبانی غیرقابل تسامح گردد، معامله را غرری می‌کند و گرنه عقلاً احتمال متحمل شدن زیان اندک یا احتمال اندک زیان را در مقابل امید به بهره‌مندی از فرصت کسب سود، شایسته و ترک آن را موجب سرزنش می‌دانند. پس غرر منهی عنه، همان ابهام و جهل موجب نزاع و مخاطره غیرقابل تسامح از نظر عرف است.

### ۳. تطبیق ضابطه غرر بر قراردادهای بین‌المللی نفت

برای حل مشکل غرر در قراردادهای نفتی راهکارهایی متصور است: اول اینکه با پذیرفتن و تأیید غرری بودن این معاملات سراغ قاعده اضطرار رفته و بنا بر حکم ثانوی حکم به حلیت این قراردادها داد؛ یعنی هرچند که وجود غرر محرز است، اما بنا بر اضطرار انعقاد آن‌ها را در شرایط فعلی بلااشکال بدانیم؛ دوم اینکه با تصور اینکه غرر اختصاص به بیع دارد، ماهیت این عقود را به غیر عقد بیع حمل نموده و این اشکال را حل نماییم؛ سومین راه هم تحلیل معنای غرر و تطبیق آن بر واقعیت و حل اساسی این مسأله است. راه‌حل اول به دلیل عدم وجود شرایط جریان قاعده اضطرار پذیرفته شده نیست. راه‌حل دوم نیز به دلیل تصور اشتباه اختصاص غرر به بیع که سابقاً در مورد آن بحث شد، از اساس نادرست است. از این رو به نظر می‌رسد با توجه به مقدمات مذکور در مورد ماهیت غرر و ضابطه و ملاک تحقق آن، راهکار سوم بهترین راه است؛ لذا در این قسمت مسأله مربوط به قراردادهای نفتی تبیین و با ضوابط تحقق غرر تطبیق داده خواهد شد.

### ۳-۱. قراردادهای بین‌المللی نفت

فرآیند «اکتشاف و تولید»<sup>۱۱</sup> از میادین نفت و گاز، عملیاتی پیچیده، بلندمدت، سرمایه‌بر و پرمخاطره است که اکثر کشورهای صاحب منابع نفت و گاز<sup>۱۲</sup> از منابع مالی، فناوری و دانش مدیریت لازم برای پیشبرد آن بی‌بهره‌اند؛ از این رو برای توسعه میادین نفتی خود با «شرکت‌های نفتی بین‌المللی» قراردادهایی منعقد می‌کنند که در اصطلاح «قراردادهای بین‌المللی نفت» خوانده می‌شود. این شرکت‌ها در برابر قبول تمام ریسک ناشی از عدم

تولید تجاری از یک میدان و تأمین تمام هزینه‌های توسعه میادین نفت و گاز از نفت تولیدشده از این میادین منتفع می‌شوند.

هرچند با ملاحظه شرایط طرفین قراردادهای فوق و میادین موضوع این قراردادها، قراردادهای متنوع و متعددی منعقد شده است، صاحب‌نظران این قراردادها را به سه دسته قراردادهای «امتیازی»<sup>۱۳</sup>، قراردادهای «مشارکت در تولید»<sup>۱۴</sup> و «قراردادهای خدمت»<sup>۱۵</sup> طبقه‌بندی نموده‌اند. (شیروی، ۱۳۹۳، ص. ۳۵۶).

قراردادهای امتیازی، نخستین قراردادهای هستند که در این حوزه منعقد شده‌اند. به‌طور کلی در این قراردادها صاحب‌امتیاز اجازه دارد در برابر پرداخت «بهره مالکانه» به‌صورت انحصاری در بخشی از قلمرو دولت میزبان اقدام به اکتشاف و استخراج نفت و گاز و انجام سایر عملیات مربوطه نماید. گرچه نسل‌های بعدی این قراردادها مانند «مجوزهای بهره‌برداری و اجاره‌ها»<sup>۱۶</sup> با ساختارهای مالی و مالیاتی پیچیده‌تری منعقد می‌شود، اما همچنان وجه تشابه این قراردادها انجام تعهدات شرکت نفتی بین‌المللی عمدتاً به‌صورت نقدی است.

در قراردادهای مشارکت در تولید، به‌طور کلی شرکت نفتی درازای قبول تمامی ریسک و هزینه‌ها، از بخشی از تولید میدان نفتی بهره‌مند می‌شود. تفاوت عمده این قراردادها با قراردادهای امتیازی آن است که در این مدل، دولت‌ها عمدتاً سهمی از نفت و گاز تولیدی میدان را دریافت می‌کنند و سهم پرداخت نقدی به دولت میزبان به نسبت محصولی که دریافت می‌کند ناچیز است.

قراردادهای خدمت به دو دسته کلی، «قراردادهای خدمت با قبول ریسک»<sup>۱۷</sup> و «قراردادهای خدمت بدون ریسک» تقسیم می‌شوند. قراردادهای دسته دوم تفاوتی با سایر قراردادهای پیمانکاری ندارند؛ یعنی در این قراردادها پیمانکار بدون قبول هرگونه ریسکی درازای انجام تعهدات خود، دستمزد مشخصی را طبق قرارداد دریافت می‌کند؛ اما در قراردادهای همراه با ریسک چنین نیست، در این قراردادها آنچه پیمانکار دریافت می‌کند اعم از محصول تولیدی یا پرداخت نقدی وابسته به تولید نهایی میدان نفتی است.

- 
- 13 Concessions
  - 14 Production Sharing Contracts
  - 15 Service Contracts
  - 16 Licenses & Leases
  - 17 Risk Service Contracts

در عمده انواع قراردادها فوق‌الذکر به دلیل شرایط نامشخص میادین نفت و گاز در ابتدای فرایند اکتشاف و تولید، حجم و شرایط سرمایه‌گذاری برای رسیدن به میزان مشخصی از تولید تجاری به‌طور قطعی قابل تعیین نیست؛ از سوی دیگر، رسیدن میدان به تولید تجاری و عواید نهایی که به یکی از طرفین یا هر دوی آن‌ها تعلق می‌گیرد، در هیچ‌یک از قراردادهای فوق‌به‌صورت قطعی قابل پیش‌بینی نیست. برآیند همین ریسک‌ها و عدم قطعیت‌ها در داده و ستانده طرفین است و ممکن است با در نظر گرفتن شرایط عقود غرری این پنداشت ایجاد شود که عقود نفتی نیز غرر که برخی از صاحب‌نظران را بر آن داشته تا با غرری دانستن این عقود، صحت آن را زیر سؤال ببرند.

در حال حاضر سؤال این است که ملاک مناسب با وضعیت خاص قراردادهای بین‌المللی نفت چیست؟ برای پاسخ به این سؤال لازم است که رابطه میان غرر و جهالت و همچنین غرر و ریسک را بررسی نماییم.

ریسک هر عامل و مؤلفه‌ای است که ممکن است نتیجه کار را تحت تأثیر قرار دهد. منشأ این احتمال وجود جهل نسبت به بخشی از اوضاع و احوال حاکم است. به عبارت دیگر جهل نسبت به برخی از شرایط همواره این نگرانی را به همراه خواهد داشت که چه وضعیتی ممکن است برای نتیجه کار رقم بخورد. می‌توان گفت آنچه به‌عنوان ریسک در قراردادهای امروزی شناخته می‌شود با غرر قرابت مفهومی دارد. به عبارتی، جهل خطرناکی که احتمال ضرر در معامله را بالا می‌برد و در نتیجه منجر به نزاع می‌گردد، ریسک نامیده می‌شود. این فرضیه وقتی تقویت می‌شود که تعریف ریسک، مخاطره، عدم اطمینان و تردید دانسته شود (Adnan, 2010, p. 10). عبدالله و عویضه، ۲۰۱۰، ص. ۱۰). این بدین معنی است که ریسک با غرر تداخل و همپوشانی مفهومی دارند. به همین دلیل برخی از صاحب‌نظران اهل سنت پذیرش ریسک را نوعی غرر دانستند (Al-Suwailim, 2000)؛ اما همان‌طور که ما جهل را به‌طور مطلق منجر به غرر و بطلان معامله ندانستیم، در مورد ریسک نیز مطلقاً نمی‌توان چنین حکمی صادر کرد. چه‌بسا عقلاً با سنجش میزان خطر و مقایسه آن با میزان سود حاصل از معامله، حاضر به پذیرش خطر شوند، یا اینکه با مهارت و تجربه خود بتوانند جهل خطرناک یا همان ریسک را طوری مدیریت کنند که کمترین تأثیر را بر نتیجه قرارداد بگذارد و منجر به ضرر نشود. در حال حاضر شرکت‌های صنعتی بزرگ از دانش مدیریت ریسک برای کنترل خطرات و جهت‌دهی به آن‌ها بهره می‌برند، از این‌رو

نه تنها از ریسک فرار نمی‌کنند بلکه برای گرفتن طرح‌های پرریسک که درازای به سرانجام رساندن آن‌ها سود قابل توجهی دریافت خواهند کرد، با یکدیگر رقابت می‌کنند.

به بیان دیگر یکی از عناصر اصلی ریسک، عدم اطمینان است. در تعیین ضابطه غرر ذکر شد که هر نوع جهل یا عدم اطمینانی موجب غرر نیست، بلکه جهلی غرر است که خوف ضرر و ایجاد نزاع در آن وجود داشته باشد و به این ترتیب ممکن است جهل به موضوعی برای عموم اشخاص معامله‌ای را غرری کند اما همان موضوع برای یک شخص حرفه‌ای و متخصص، غرر محسوب نشود و چه بسا بتواند از این موقعیت فرصت‌های زیادی بسازد که هر دو طرف معامله از آن سود ببرند و از انعقاد معامله راضی باشند. در مورد قراردادهای مزبور نیز مسأله همین‌جاست که این قراردادها به خودی خود غرری نیستند، بلکه اگر طرفین بتوانند ریسک‌های موجود در یک طرح را به خوبی شناسایی کرده و طوری آن‌ها را مدیریت کنند که آثار ناشی از آن‌ها به حداقل برسد، دیگر نمی‌توان آن قرارداد را غرری دانست. به عبارت دیگر غرر موضوعی ذاتی قراردادهای نیست، بلکه امری عرضی و قابل مرتفع شدن است، لذا اگر در یک قرارداد طرفین بتوانند با کوشش بیشتر جزئیات انجام کار را بیان، شرح وظایف را دقیق مشخص میزان هزینه‌ها و سود را روشن و سایر ابعاد اصلی قرارداد و طرح را شفاف و مخاطرات موجود را تا حد قابل قبولی شناسایی و معرفی کنند، می‌توان گفت که دیگر غرر موضوعیت نخواهد داشت.

نکته دیگری که در مورد جهل در قرارداد باید به آن توجه شود این است که اگر جهل در موضوع قرارداد و اصل تعهدات طرفین به نحوی که پیش برد و اجرای قرارداد با ابهام همراه باشد از مصادیق غرر است، اما بحث ما مشخصاً مربوط به حالتی است که موضوع قرارداد مشخص است و فقط در مورد اقتضانات و شرایط اجرا ابهاماتی وجود دارد.

در قراردادهای نفتی مصادیق عمده ریسک را می‌توان به شش دسته کلی تقسیم نمود:  
ریسک‌های فنی<sup>۱۸</sup>، ریسک‌های اقتصادی<sup>۱۹</sup>، ریسک‌های مالی<sup>۲۰</sup>، ریسک‌های قراردادی<sup>۲۱</sup>، ریسک‌های زیست‌محیطی<sup>۲۲</sup> و ریسک‌های حقوقی<sup>۲۳</sup>. توضیح اینکه، در قراردادهای

- 
18. Technical
  19. Economical
  20. Financial
  21. Contractual
  22. Environmental
  23. Legal



بین‌المللی نفت، به دلیل وجود ابهامات در مورد قوانین و مقررات کشورهای که مخازن در آن‌ها قرار دارد، خطرات مربوط به آسیب‌های زیست‌محیطی، نرخ سنگین سرمایه‌گذاری، طولانی بودن دوره قرارداد، ارزش هنگفت نفت و گاز تولیدی، تنوع و گستره عملیات موضوع قرارداد، فهرست طولانی وظایف و اختیارات پیمانکار، غیرقابل‌پیش‌بینی بودن برخی مسائل مربوط به مخزن و حتی احتمال به نتیجه نرسیدن طرح پس از انجام سرمایه‌گذاری هنگفت، ریسک‌های فراوانی وجود دارد. وجود همین ابهامات جدی در قراردادهای بین‌المللی نفت، تبیین منطقه ممنوعه پذیرش ریسک و خطر و یا ارائه معیار در پذیرش ریسک را ضروری می‌نماید.

از همین روست که در حال حاضر، جهت تحدید ریسک‌ها و ممانعت از غرری شدن این نوع قراردادها، راهکارهای زیر به کار بسته می‌شود:

الف) طرفین سعی در بیان تفصیلی و جزئی مفاد قرارداد و خواسته‌های خود از طرف مقابل می‌کنند. اهمیت علم تفصیلی در این دست از عقود وقتی پررنگ می‌شود که ذکر یا عدم‌ذکر یک مسأله جزئی می‌تواند آثار مالی زیادی داشته باشد و بار مالی زیادی را به طرفین قرارداد تحمیل نماید.

ب) جهت پاسخ به مسائلی که به‌هیچ‌وجه در ابتدای انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نیست، طرفین با تعیین اجمالی حدود تغییرات، در مذاکرات آغازین، شرط تعدیل قرارداد را از ابتدا در قرارداد می‌گنجانند. بدین معنا که طرفین در ابتدای قرارداد توافق می‌کنند که اگر در یک از مراحل اجرای قرارداد، لازم باشد کاری انجام شود که از قبل پیش‌بینی نشده و انجام آن در جداول شکست کار مورد توافق قرار نگرفته و برای آن در جداول هزینه، بودجه‌ای در نظر گرفته نشده، برای جلوگیری از توقف کلی قرارداد، برای آن مسأله مستحده، به مذاکره مجدد بپردازند یا اینکه قرارداد را تعدیل نموده و اینکه تحت‌عنوان اضافه‌کاری، بودجه‌ای برای کار فوق‌العاده در نظر بگیرند. البته سقف و موارد استفاده از این شرط نیز محدود و دارای شرایط و فرمول‌های خاصی خواهد بود.

ج) به دلیل تنوع و گستره عملیات موضوع این قرارداد، ممکن است کارفرما و پیمانکار در باب شیوه و کیفیت کار دچار اختلاف شوند. این مسأله نیز با در نظر گرفتن استانداردهای از پیش تعریف‌شده حل می‌گردد؛ یعنی طرفین هنگام انعقاد قرارداد به‌جای اینکه خود بر سر چگونگی انجام کار توافق کنند، از استانداردهای فنی، زیست‌محیطی،

ایمنی و... از پیش تعیین شده استفاده می‌کنند تا هنگام تحویل کار اختلافات به حداقل برسد.

د) اشکال دیگر این قراردادها شناور بودن میزان بهره یکی از طرفین یا هر دو از نفت و گاز تولیدی یا قیمت آن است که ممکن است نوعی جهل به مورد معامله و غرر محسوب شود. برای حل این مشکل قیمت خدمات یا کالاها توسط فرمول‌هایی از ابتدا مشخص می‌شود و به این ترتیب طرفین قرارداد، این موضوع از یک طرف می‌تواند برای طرفین علم اجمالی ایجاد کند و از طرف دیگر، در صورت هرگونه اختلاف نظر موجب قلع ماده نزاع می‌گردد؛ به‌ویژه درجایی که این موضوع در صنعت نفت متعارف محسوب شود و علم اجمالی عموماً برای طرفین کفایت کند که در این صورت نیازی به علم تفصیلی نیست. به عبارت دیگر همین که حدود و ثغور تعیین ثمن معامله در قالب یک فرمول مشخص می‌شود، غرر را از معامله دور می‌کند. به عنوان مثال در عقد مضاربه قانون‌گذار مقرر داشته که حصه هر یک از مالک و مضارب در منافع باید جزء مشاع از کل از قبیل رُبع یا ثلث و غیره باشد. (ماده ۵۴۸ قانون مدنی) به فرض اینکه ماهیت عقد مضاربه اجاره اشخاص باشد، اجرت مضارب (اجیر) به نوعی نامعین و وابسته به میزان سود حاصله خواهد بود. پس اجرت نامعین در شرع و قانون پذیرفته شده و لزومی ندارد که اجرت معین باشد. به عبارتی چون نحوه محاسبه اجرت (نصف، ثلث یا مانند این‌ها از سود) مشخص است، صرف معین نبودن میزان اجرت از ابتدای انعقاد قرارداد، منجر به بطلان عقد نمی‌شود. یا در عقد جعاله که قانون‌گذار بیان داشته در جعاله معلوم بودن اجرت من جمیع الجهات لازم نیست؛ بنابراین اگر کسی ملتزم شود که هر کس گم شده او را پیدا کند حصه مشاع معینی از آن، مال او خواهد بود، جعاله صحیح است، در جعاله گذشته از عدم لزوم تعیین عامل ممکن است عمل هم مردد و کیفیات آن نامعلوم باشد (مواد ۵۶۳ و ۵۶۴ قانون مدنی)، ممکن است از ابتدا میزان جُعَل یا اجرت مشخص نباشد و بعد انجام موضوع جعاله اجرت با فرمول خاصی مشخص گردد، از این رو صرف عدم معلوم بودن اجرت موجب غرری شدن عقد و بطلان آن نمی‌شود. این مسأله در مورد عقد بیع، تحت عنوان بیع با ثمن شناور نیز مورد پذیرش قرار گرفته است (منصوری لطفعلی و انصاری، ۱۳۹۶، ص. ۸۳). البته لازم به ذکر است که این بدین معنا نخواهد بود که مسأله علم به مورد قرارداد را به‌طور کلی کنار گذاشته و غرر را بپذیریم.

ضمن آنکه هر معامله‌ای با خطر و نوعی ریسک عام همراه است که عقلاً لزوماً از آن هراسان و فراری نیستند و این دسته از ریسک‌ها محل بحث و مناقشه نیست. مسأله بر سر ریسک‌ها و مخاطراتی است که هرکسی قادر به درک آن نیست و افراد عادی در صورت مواجهه با آن به احتمال زیاد در ورطه خطر و ضرر می‌افتند. ممکن است مسأله در عرف قراردادهای بین‌المللی نفتی قابل چشم‌پوشی باشد، اما اگر یک شخص عادی وارد این دست از معاملات شود نتواند آن را تحمل کند. لذا بنابر آنچه گفته شد در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت باید گفت که غرری که عقلاً از آن تسامح کرده و عرف آن را پذیرفته است موجب بطلان عقد نمی‌شود. به عبارت دیگر میزان قابل‌پذیرش غرر از امور نسبی است و برحسب شخص، زمان، مکان، نوع نگاه و سایر اوضاع و احوال متفاوت خواهد بود. با این اوصاف ممکن است یک معامله در زمان و مکانی غرری باشد و چندی بعد عرف آن را به عنوان یک معامله صحیح بپذیرد. در این دست از قراردادهای ابعاد مالی، مدیریت ریسک، کنترل طرح و سایر مسائل، قبل از انعقاد قرارداد توسط طرفین اندازه‌گیری شده و نسبت به انواع نتایج محتمل، پیش‌زمینه‌های اجرای طرح و سایر جنبه‌های مهم مطالعه صورت می‌گیرد و در صورتی که احتمال سود را بیشتر از احتمال ضرر تشخیص دهند، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند. از این رو صرف بزرگ بودن آثار مالی قرارداد و ارقام و طولانی بودن مراحل انجام کار به معنای تحقق غرر نیست؛ بلکه اگر برای طرفین قرارداد مشخص باشد که هدف از انعقاد چیست و چه چیز را مطالبه می‌کنند، کفایت می‌کند تا مسأله غرر رفع شود. پس وجود ریسک بالا در قراردادهایی مانند قراردادهای بین‌المللی نفت، لزوماً به معنای تحقق غرر نیست. چه بسا عقدی مانند بیمه که موضوع آن ریسک و انتقال ریسک یا پوشش ریسک است هر لحظه ممکن بوده برای یکی از طرفین تعهدات مالی سنگینی به جای بگذارد، امروزه پذیرفته شده و به تکرار منعقد می‌شود. آنچه در عقد بیمه، غرر را از بیمه‌گر و بیمه‌گذار دور می‌کند این است که نتیجه و اثر عقد از قبل برای طرفین معلوم است و ابهام و جهل در آن راه نمی‌یابد و در این شرایط است که شرکت بیمه و ارائه‌دهنده خدمات بیمه‌ای، اقدام به سنجش احتمالات خطر و تعیین میزان هزینه مناسب برای ارائه پوشش بیمه، می‌نماید. بیمه‌گذار حق بیمه را پرداخت می‌کند و پوشش را خریداری و تأمین لازم را دریافت می‌کند. این تأمین متوقف بر حصول خطر نیست تا کسی بگوید وقوع خطر نامعلوم است؛ زیرا به مجرد انعقاد عقد بیمه تأمین حاصل می‌گردد

(محمودی، ۱۳۹۳، ص. ۱۳۹)؛ بنابراین دیگر عنصر احتمال و ابهام برای طرفین عقد بیمه آن‌قدر پررنگ نخواهد بود که بتوان آن را غرر نامید. بدین ترتیب بیمه، کاری عقلایی و مقرون‌به‌صرفه است که در شرایط اقتصادی فعلی ترک آن ناعاقلانه تلقی می‌شود. در مسأله سنجش ریسک در قراردادهای بین‌المللی نفت مسأله مهم دیگری که نباید مغفول بماند این است که گاه هدف از قرارداد صرفاً سود مالی نیست و مسائلی مانند کسب تجربه کاری، محک زدن توان فنی، حفظ روابط با طرف قرارداد، آن‌قدر مهم و اساسی تلقی می‌شوند که ممکن است سود مالی را تحت‌الشعاع قرار دهند. به‌عبارت‌دیگر در بحث سنجش غرری بودن معامله صرفاً سودهای مالی نباید مدنظر قرار گیرند، بلکه ممکن است انتفاع در مسائل غیرمالی برای شخصی مهم‌تر از سود مالی باشد. حالتی دیگری که بسیار اتفاق می‌افتد این است که پیمانکار سود کلی خود در انجام همه کار را در نظر می‌گیرد نه سود جزئی هر یک از مراحل را. توضیح اینکه ممکن است ریسک ضرر در مرحله حفاری مخزن زیاد باشد، اما پیمانکار به امید دستیابی به سود تولید نفت قرارداد را می‌پذیرد؛ یعنی سود نهایی ناشی از تولید نفت از هزینه و ضرر احتمالی در مرحله حفاری آن‌قدر بیشتر است که پیمانکار به سمت انعقاد قرارداد تشویق می‌شود.

### نتیجه‌گیری

آنچه از ادبیات فقهی - حقوقی ما برمی‌آید این است که نمی‌توان صرف جهل را موجب غرر و بطلان معامله دانست. بلکه جهل و خطری منجر به غرر خواهند بود که غفلت از آن‌ها به اختلاف و نزاع میان طرفین یا ضرر و ریسک غیرقابل تسامح از نظر عرف بیانجامد. توضیح اینکه ملاک در غرری بودن قراردادها، وجود نوعی جهل است که ریشه خطر ایجاد نزاع است. در غیر این موارد نمی‌توان به‌صرف وجود میزانی از جهل، حکم به بطلان عقد داد. توضیح داده شد هدف و فایده قاعده نفی غرر جلوگیری از نزاع و مسدود کردن مسیر اختلاف و از بین رفتن ضرر احتمالی است؛ بنابراین صرف جهل نمی‌تواند ملاک مناسبی برای غرر باشد و غرر باید با خطر جدی و غیرقابل تسامح از نظر عرف، همراه باشد. پس بنا به نظر فقها غرر در عقود وقتی محقق می‌شود که جهل منتهی به خطر، معامله یا یکی از عوضین را تهدید کند و در مقابل با عوض معامله از نظر ارزش، تناسب نداشته باشد. پس

غرر منهی عنه، همان ابهام و جهل موجب نزاع و مخاطره غیرقابل تسامح از نظر عرف است.

در قراردادهای بین‌المللی نفتی به‌عنوان یک از عقود جدید، به دلایل مختلفی مانند شرایط نامشخص میادین نفت و گاز، در ابتدای فرایند اکتشاف و تولید، حجم و شرایط سرمایه‌گذاری برای رسیدن به میزان مشخصی از تولید تجاری، به‌طور قطعی قابل تعیین نیست؛ به‌عبارت‌دیگر رسیدن میدان به تولید تجاری یا درآمدی که به یکی از طرفین یا هردوی آن‌ها تعلق می‌گیرد، در هیچ‌یک از قراردادهای فوق به‌صورت قطعی قابل پیش‌بینی نیست و ممکن است این پنداشت ایجاد شود که عقود نفتی نیز غرری هستند و برخی از صاحب‌نظران را بر آن داشته تا با غرری دانستن این عقود، صحت آن را زیر سؤال برند. لذا بنابر آنچه گفته شد در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت باید گفت که غرری که عقلاً از آن تسامح کرده و عرف آن را پذیرفته است موجب بطلان عقد نمی‌شود. به‌عبارت‌دیگر میزان قابل‌پذیرش غرر از امور نسبی است و برحسب شخص، زمان، مکان، نوع نگاه و سایر اوضاع و احوال متفاوت خواهد بود. با این اوصاف ممکن است یک معامله در زمان و مکانی غرری باشد و چندی بعد عرف آن را به‌عنوان یک معامله صحیح بپذیرد. در این دست از قراردادها ابعاد مالی، مدیریت ریسک، کنترل طرح و سایر مسائل، قبل از انعقاد قرارداد توسط طرفین اندازه‌گیری شده و نسبت به انواع نتایج محتمل، پیش‌زمینه‌های اجرای طرح و سایر جنبه‌های مهم مطالعه صورت می‌گیرد و در صورتی که احتمال سود را بیشتر از احتمال ضرر تشخیص دهند، اقدام به انعقاد قرارداد می‌نمایند.

از همین‌روست که به‌عنوان راهکار و جهت تحدید ریسک‌ها و ممانعت از غرری شدن این نوع قراردادها، راهکارهایی اتخاذ می‌شود. برای مثال **اولاً** طرفین سعی در بیان تفصیلی و جزئی مفاد قرارداد و خواسته‌های خود از طرف مقابل می‌کنند و اهمیت علم تفصیلی در این دست از عقود پررنگ می‌شود؛ **ثانیاً** جهت پاسخ به مسائلی که به‌هیچ‌وجه در ابتدای انعقاد قرارداد قابل پیش‌بینی نیست، طرفین با تعیین اجمالی حدود تغییرات، در مذاکرات آغازین، شرط تعدیل قرارداد را از ابتدا در قرارداد می‌گنجانند؛ **ثالثاً** در مواقعی که به دلیل تنوع و گستره عملیات موضوع این قرارداد، ممکن است کارفرما و پیمانکار در باب شیوه و کیفیت کار دچار اختلاف شوند نیز با در نظر گرفتن استانداردهای از پیش تعریف‌شده حل می‌گردد؛ **رابعاً** برای حل مشکل شناور بودن میزان بهره یکی از طرفین یا

هر دو از نفت و گاز تولیدی یا قیمت آنکه ممکن است نوعی جهل به مورد معامله و غرر محسوب شود، قیمت خدمات یا کالاها توسط فرمول‌هایی از ابتدا مشخص می‌شود و به این ترتیب طرفین قرارداد، این موضوع از یک طرف می‌تواند برای طرفین علم اجمالی ایجاد کند و از طرف دیگر، در صورت هرگونه اختلاف نظر موجب قلع ماده نزاع می‌گردد؛ به ویژه درجایی که این موضوع در صنعت نفت متعارف محسوب شود و علم اجمالی عموماً برای طرفین کفایت کند که در این صورت نیازی به علم تفصیلی نیست. یعنی همین که حدود و ثغور تعیین ثمن معامله در قالب یک فرمول مشخص می‌شود، غرر را از معامله دور می‌کند. از این رو صرف بزرگ بودن آثار مالی قرارداد و اعداد و ارقام و طولانی بودن مراحل انجام کار به معنای تحقق غرر نیست؛ بلکه اگر برای طرفین قرارداد مشخص باشد که هدف از انعقاد چیست و چه چیز را مطالبه می‌کنند، کفایت می‌کند تا مسأله غرر رفع شود. پس وجود ریسک بالا در قراردادهایی مانند قراردادهای بین‌المللی نفت، لزوماً به معنای تحقق غرر نیست.

در مسأله سنجش ریسک در قراردادهای بین‌المللی نفت مسأله مهم دیگری که نباید مغفول بماند این است که گاه هدف از قرارداد صرفاً سود مالی نیست و مسائلی مانند کسب تجربه کاری، محک زدن توان فنی، حفظ روابط با طرف قرارداد، آن قدر مهم و اساسی تلقی می‌شوند که ممکن است سود مالی را تحت الشعاع قرار دهند. به عبارت دیگر در بحث سنجش غرری بودن معامله صرفاً سودهای مالی نباید مدنظر قرار گیرند، بلکه ممکن است انتفاع در مسائل غیرمالی برای شخصی مهم‌تر از سود مالی باشد. حالتی دیگری که بسیار اتفاق می‌افتد این است که پیمانکار سود کلی خود در انجام همه کار را در نظر می‌گیرد نه سود جزئی هر یک از مراحل را. توضیح اینکه ممکن است ریسک ضرر در مرحله حفاری مخزن زیاد باشد، اما پیمانکار به امید دستیابی به سود تولید نفت قرارداد را می‌پذیرد؛ یعنی سود نهایی ناشی از تولید نفت از هزینه و ضرر احتمالی در مرحله حفاری آن قدر بیشتر است که پیمانکار به سمت انعقاد قرارداد تشویق می‌شود.

در مورد قراردادهای بین‌المللی نفت، علی‌رغم غیرقطعی بودن، میزان تعهدات مالی و عملیاتی طرفین و نتایج حاصل از آن نمی‌توان حکم به غرری بودن این قراردادها نمود، چراکه با به‌کارگیری ابزارهای حقوقی، مالی و عملیاتی مدیریت ریسک، عرف حرفه‌ای این صنعت خطرات موجود در این حوزه را در مقابل سودی که تا حد زیادی پیش‌بینی است،

قابل تسامح می‌داند و از آن به امید کسب منافع بیشتر گذشت می‌کند. به بیان دیگر ابهامات به حدی نیستند که با استناد به آن‌ها قرارداد غرری شود.

#### کتابنامه

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۸۴). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. ایران، قم: اسماعیلیان.
2. Ibn Athir, M, bin M., (1981). *Finally, in the Strange Hadith and the Work*. Iran, Qom: Ismailian. (In Persian).
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). *لسان العرب* (چاپ سوم؛ جلد پنجم). لبنان، بیروت: دارصار.
4. Ibn Manzoor, M, bin M., (1414 AH). *Lasan al-Arab* (Third Edition; Fifth Volume). Lebanon, Beirut: Darsar. (In Persian).
۵. الخوری الشرتونی، سعید (۱۴۰۳ق). *اقراب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد* (جلد ۲). لبنان، بیروت: مؤسسه النصر.
6. Al Khoury al-Shartouni, S., (1403 AH). *Aqrab al-Mawdar in Fasih al-Arabiya and al-Shaward* (Volume 2). Lebanon, Beirut: Al Nasr Institute. (In Persian).
۷. الضریح، الصدیق محمدالامین (۱۴۱۰ق). *الغرر و اثره فی العقود فی الفقه الاسلامی*. لبنان، بیروت: دارالجیل.
8. Al-Dureer, A, M, A., (1410 AH). *Al-Gharar and the Effect of Contracts in Islamic Jurisprudence*. Lebanon, Beirut: Dar al-Jeil. (In Persian).
۹. الطریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق). *مجمع البحرین*. لبنان، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
10. Al-Tarihi, F., (1416 AH). *Bahrain Assembly*. Lebanon, Beirut: Darahiya al-Thath al-Arabi. (In Persian).
۱۱. امامی، سیدحسن (۱۳۶۸). *حقوق مدنی* (جلد اول). ایران، تهران: اسلامیه.
12. Emami, S, H., (1989). *Civil Rights* (First Volume). Iran, Tehran: Islamia. (In Persian).
۱۳. وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية - الكويت (۱۴۱۴ق). *الموسوعه الفقهیه*، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، دارالسلسل، الكويت، الطبعة الثانية.
14. Ministry of Endowments and Islamic Affairs - Kuwait (1414 AH). *Al-Musawat al-Fiqhiyah*, Ministry of Awqaf and Islamic Affairs, Dar al-Salsal, Kuwait, second edition. (In Persian).
۱۵. بهرامی احمدی، حمید؛ و مرتضی نجف‌آبادی (۱۳۹۵). *معيار تعيين مصادیق مستثنی شده از اصل لزوم علم تفصیلی به مورد معامله. آموزه‌های حقوقی گواه*، (۳)، ۸۳-۱۰۲.
16. Bahrami Ahmadi, H; & Morteza N., (2015). *The Criteria for Determining Cases Excluded from the Principle of the Necessity of Detailed Knowledge About the Transaction*. *Govah Law Teachings*, 1(3), 83-102. (In Persian).

۱۷. تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۲). دلیل نفی غرر و میزان اثرگذاری آن بر معاملات. فقه مقارن، ۱(۱)، ۵۴-۳۳.
18. Taskhiri, M, A., (2012). The Reason for the Negation of Gharr and its Effect on Transactions. *Mogharen Jurisprudence*, 1(1), 33-54. (In Persian).
۱۹. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۴). *ترمینولوژی حقوق*. ایران، تهران: گنج‌دانش.
20. Jafari Langroudi, M, J., (1995). *Legal Terminology*. Iran, Tehran: Ganjdanash. (In Persian).
۲۱. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۱-۱۳۹۲). *تقریرات درس خارج فقه*. ایران، قم: کتابخانه مدرسه فقاہت.
22. Javadi Amoli, A., (2012-2013). *Lectures on Foreign Jurisprudence*. Iran, Qom: Library of Jurisprudence School. (In Persian).
۲۳. جوهری، اسماعیل (۱۴۰۷ق). *صحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة* (جلد دوم؛ چاپ چهارم). لبنان، بیروت: دارالعلم للملایین.
24. Johari, I., (1407 AH). *Sahih: Tajul-Lughe and Sahih Al-Arabiyyah* (Volume 2; 4th edition). Lebanon, Beirut: Dar al-Alam Lamlayin. (In Persian).
۲۵. دهنخدا، علی‌اکبر (۱۳۲۵). *فرهنگ دهنخدا* (جلد ۳۱۹). تهران: چاپخانه مجلس.
26. Dehkhoda, A, A., (1946). *Culture of Dehkhoda* (vol. 319). Tehran: Majlis Printing House. (In Persian).
۲۷. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق). *المفردات فی غریب القرآن* (چاپ اول). لبنان، بیروت: دارالعلم و سوریه، دمشق: دارالشامیة.
28. Ragheb Esfahani, H., (1412 AH). *Al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an* (First Edition). Lebanon, Beirut: Dar al-Alam and Syria, Damascus: Dar al-Shamiya. (In Persian).
۲۹. زبیدی، محمدمرتضی (۱۳۰۶ق). *شرح تاج العروس من جواهر القاموس* (جلد سوم؛ چاپ اول). مصر، قاهره: دارالإحياء التراث العربی.
30. Zubeidi, M, M., (1306 AH). *Description of Taj al-Arus Man Javaher al-Qamoos* (3rd volume; 1st edition). Egypt, Cairo: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi. (In Persian).
۳۱. سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). *تقریرات درس خارج فقه*. ایران، قم: کتابخانه مدرسه فقاہت.
32. Sobhani, J., (2009). *Lectures on Foreign Jurisprudence*. Iran, Qom: Library of Jurisprudence School. (In Persian).
۳۳. سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). *دارسات موجزة فی الخیارات و الشروط*. ایران، قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.
34. Sobhani, J., (1423 AH). *A Brief Lecture on Options and Conditions*. Iran, Qom: International Center for Islamic Studies. (In Persian).
۳۵. شهید اول، محمد بن مکی عاملی (۱۴۰۰ق). *القواعد و الفوائد* (جلد دوم؛ چاپ اول). ایران، قم: کتابفروشی مفید.



36. Shahid Sani, M, bin M, A., (1400 AH). *Al-Qaseer and al-Faadiy* (Second Volume; First Edition). Iran, Qom: Mofid Bookstore. (In Persian).
۳۷. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۰ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة* (جلد چهارم). ایران، قم: داورى.
38. Shahid Sani, Z, bin A, A., (1410 AH). *Al-Rawzah al-Bahiyyah in Sharh al-Lama'ah al-Damashqiyyah* (Volume IV). Iran, Qom: Davari. (In Persian).
۳۹. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۲۲ق). *حاشیه المختصر النافع* (چاپ اول). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
40. Shahid Sani, Z, bin A, A., (1422 AH). *Al-Mukhastar al-Nafi's Margin* (First Edition). Qom: Seminary Islamic Propaganda Office. (In Persian).
۴۱. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی (۱۴۱۳ق). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام* (جلد پانزدهم؛ چاپ اول). قم: المعارف الإسلامیه.
42. Shahid Sani, Z, bin A, A., (1413 AH). *Masalak al-Afham and Revision of Islamic Laws* (15th Volume; 1st Edition). Qom: Al-Maarif al-Islamiyya. (In Persian).
۴۳. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *المکاسب* (جلد ششم؛ چاپ اول). ایران، قم: اسلامی.
44. Sheikh Ansari, M., (1415 AH). *Al-Makasab* (Vol. 6; 1st Edition). Iran, Qom: Islamic. (In Persian).
۴۵. شیخ انصاری، مرتضی (۱۴۱۰ق). *مکاسب* (جلد ۱۱). ایران، قم: دارالکتاب.
46. Sheikh Ansari, M, (1410 AH). *Al-Makasab* (Volume 11). Iran, Qom: Dar al-Kitab. (In Persian).
۴۷. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*. ایران، تهران: میزان.
48. Shiravi, A, H., (2013). *Oil and Gas Law*. Iran, Tehran: Mizan. (In Persian).
۴۹. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحوث فی العلم الاصول* (جلد چهارم). ایران، قم: مجمع الشهداء آیه الله الصدر العلمی.
50. Sadr, S, M, B., (1404 AH). *Researches in the Science of Knowledge* (Fourth Volume). Iran, Qom: Martyr's Assembly, Aya Allah Sadr Al-Alami. (In Persian).
۵۱. صفایی، سید حسین (۱۳۹۳). *قواعد عمومی قراردادها*. ایران، تهران: میزان.
52. Safai, S, H., (2014). *General Rules of Contracts*. Iran, Tehran: Mizan. (In Persian).
۵۳. صفایی، سید حسین (۱۳۹۱). *نگاهی دیگر به ضابطه کفایت علم اجمالی در «مورد معامله»*: تفسیر ماده ۲۱۶ قانون مدنی بر مبنای قاعده غرر. *تحقیقات حقوقی*، ۱۵(۵۹)، ۴۱-۶۱.
54. Safai, S, H., (2011). Another Look at the Rule of Sufficiency of Summary Knowledge in the "Transaction Case": Interpretation of Article 216 of the Civil Code Based on the Gharr rule. *Legal Research*, 15(59), 41-61. (In Persian).

۵۵. طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۰). تأثیر غرر در معاملات. *علوم اجتماعی و انسانی*. ۹(۳۳)، ۴۳-۵۵.
56. Taleb Ahmadi, H., (2001). *The Influence of Noise in Transactions*. Social and Human Sciences, 9(33), 43-55. (In Persian).
۵۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه* (چاپ سوم). تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
58. Tusi, A, M, bin H., (2008). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Amamiyyah* (Third Edition). Tehran: Al-Muktabah Al-Mortazawieh for Revival of Al-Jaafariyya Antiquities. (In Persian).
۵۹. حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۴ق). *تذکره الفقهاء* (جلد اول؛ چاپ اول). ایران: قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
60. Hali, H, bin Y, bin M, A., (1414 AH). *Tazkirah al-Fiqaha* (First Volume; First Edition). Iran, Qom: Al-Al-Bayt Institute, Peace be Upon Them. (In Persian).
۶۱. علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۲). قاعده نفی غرر در معاملات. *اقتصاد اسلامی*، ۳(۹)، ۸۹-۱۰۶.
62. Alidost, A., (2003). The Rule of Negation of Gharar in Transactions. *Islamic Economy*, 3(9), 89-106. (In Persian).
۶۳. عمید، حسن (۱۳۵۶). *فرهنگ فارسی عمید* (چاپ پانزدهم). ایران: تهران: امیرکبیر.
64. Omid, H., (1977). *Farhang Persian Omid* (15th Edition). Iran, Tehran: Amirkabir. (In Persian).
۶۵. غروی اصفهانی، محمدحسین (۱۴۰۹ق). *الإجارة* (چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
66. Ghoroi Esfahani, M, H., (1409 AH). *Al-Ejareh* (Second Edition). Qom: Islamic Publishing Office Affiliated with the Seminary Teachers Community. (In Persian).
۶۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق). *العین* (جلد چهارم؛ چاپ دوم). ایران: قم: منشورات المهجره.
68. Farahidi, K, bin A., (1410 AH). *Al-Ain* (Fourth Volume; Second Edition). Iran, Qom: Al-Hijrah Publications. (In Persian).
۶۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۱). *قواعد عمومی قراردادها* (جلد دوم). تهران: شرکت سهامی انتشار.
70. Katouzian, N., (1992). *General Rules of Contracts* (Second Volume). Tehran: Publishing Company. (In Persian).
۷۱. کاشف الغطاء، شیخ‌مهدی (بی‌تا). *مورد الأنام فی شرح شرائع الاسلام* (جلد چهارم). نجف الاشرف: الکاشف الغطاء.
72. Kashif al-Ghita, S, M., (Bita). *Mord al-An'am in the Sharh of Sharia al-Islam* (Volume IV). Najaf Al-Ashraf: Al-Kashif al-Ghita. (In Persian).
۷۳. محقق ثانی، علی بن حسین عاملی کرکی (۱۴۱۴ق). *جامع المقاصد فی شرح القواعد* (جلد چهارم؛ چاپ دوم). ایران: قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.

74. Mohaghegh Sani, A, bin H, A, K., (1414 AH). *Jami al-Maqasid fi Sharh al-Qasas* (Fourth Volume; Second Edition). Iran, Qom: Al-Al-Bayt Institute, Peace be Upon Them. (In Persian).
۷۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۳ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام* (جلد ۲). لبنان، بیروت: دارالاضواء.
76. Mohagheq Hali, J, bin H., (1403 AH). *Islamic Laws in Halal and Haram Issues* (Volume 2). Lebanon, Beirut: Dar Al-Azwa. (In Persian).
۷۷. محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۳). *قواعد فقه*. ایران، تهران: یلدا.
78. Mohammadi, A., (1994). *The Rules of Jurisprudence*. Iran, Tehran: Yalda. (In Persian).
۷۹. محمودی، مسعود (۱۳۹۳). *تحلیل حقوقی ریسک در صنعت بیمه و مقایسه آن با قاعده غرر*. ایران، تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
80. Mahmoudi, M., (2014). *Legal Analysis of Risk in the Insurance Industry and its Comparison with the Gharar Rule*. Iran, Tehran: Imam Sadiq University. (In Persian).
۸۱. مراغی، سید میرعبدالفتاح بن علی حسینی (۱۴۱۷ق). *العناوین الفقیه* (جلد دوم؛ چاپ اول). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
82. Maraghi, S, M, F, bin A, H., (1417 AH). *Al-Anawin Al-Faqih* (Volume II; First Edition). Qom, Iran: Islamic Publication Office Affiliated with the Seminary Seminary Community. (In Persian).
۸۳. مسجدرایی، حمید (۱۳۹۲). *تحلیل فقهی - حقوقی مبنای غرر در بیمه*. پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، ۹(۳۳): ۱۳۱-۱۴۶.
84. Masjidsarai, H., (2012). *Jurisprudence-Legal Analysis of the Basis of Insurance*. *Fiqh and Islamic Law Research*, 9(33): 131-146. (In Persian).
۸۵. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ و رستمزاده گنجی، اسماعیل (۱۳۸۶). *غرر در معاملات اختیارات بر روی سهام از دیدگاه فقه امامیه*. *جستارهای اقتصادی*، ۴(۸)، ۳۹-۶۴.
86. Mesbahi Moghadam, G, R; & Rostamzadeh Ganji, I., (1386). *Gharar in Option Transactions on Shares from the Perspective of Imami Jurisprudence*. *Economic Studies*, 4(8), 39-64. (In Persian).
۸۷. مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم* (جلد هفتم؛ چاپ اول). ایران، تهران: مرکز کتاب و ترجمه و النشر.
88. Mustafavi, H., (1402 AH). *Research on the Words of the Holy Qur'an* (7th volume; 1st Edition). Iran, Tehran: Al-Katab and Al-Targemeh and Publishing Center. (In Persian).
۸۹. معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی معین* (جلد دوم؛ چاپ چهارم). ایران، تهران: امیرکبیر.
90. Moin, M., (2007). *Moin Persian Dictionary* (Volume 2; 4th Edition). Iran, Tehran: Amirkabir. (In Persian).
۹۱. منصوری لطفعلی، لیلا؛ و انصاری، اعظم (۱۳۹۶). *عقد بیع با ثمن شناور* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

92. Mansouri Lotfali, L; & Ansari, A., (2017). *Floating Price Sales Contract* (Master's Thesis). Ferdowsi University, Mashhad, Iran. (In Persian).
۹۳. موسوی بجنوردی، سید محمد (۱۳۸۱). جایگاه عرف در حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام. پژوهشنامه متین، ۴(۱۵ و ۱۶)، ۲۳-۴۸.
94. Mousavi Bejnordi, S, M., (2001). The Place of Custom in International Law and Islamic Law. *Matin Research*, 4(15 and 16), 23-48. (In Persian).
۹۵. موسوی بجنوردی، سید محمد؛ و شیرازی، محمدرضا (۱۳۷۸). ابهام و لزوم رفع آن از مورد معامله. فقه و مبانی حقوق، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۶۱.
96. Mousavi Bojanvardi, S, M; & Shirazi, M, R., (1999). Ambiguity and the Need to Resolve it from the Transaction. *Fiqh and Fundamentals of Law*, 4(13), 125-161. (In Persian).
۹۷. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۴۲۱ق). *البيع* (چاپ اول). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
98. Mousavi Khomeini, S, R., (1421 AH). *Al-Bai* (First Edition). Tehran: Imam Khomeini Editing and Publishing Institute. (In Persian).
۹۹. موسویان، سید عباس؛ و عزیززاده اصل، محمد (۱۳۹۴). بررسی ضابطه غرر در معاملات جدید. تحقیقات مالی اسلامی، ۳(۹)، ۵-۳۶. DOI: 10.30497/ifr.2015.1791
100. Mousaviyan, S, A; & Alizadeh Asl, M., (2014). Examining the Rule of Thumb in New Deals. *Islamic Finance Research*, 3(9), 5-36. DOI: 10.30497/ifr.2015.1791 (In Persian).
۱۰۱. نائینی، میرزا (۱۴۱۳ق). *المکاسب و الیبع* (جلد دوم؛ چاپ اول). ایران، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
102. Naini, M., (1413 AH). *Al-Makasab and Al-Ba'i* (Volume Two; First Edition). Iran, Qom: Islamic Publication Office Affiliated with the Seminary Teachers Society. (In Persian).
۱۰۳. نجفی کاشف الغطاء، محمدحسین (۱۳۵۹). *تحریر المجله* (جلد پنجم؛ چاپ اول). نجف: المکتبه المرتضویه.
104. Najafi Kashif al-Ghita, M, H., (1980). *Tahrir al-Majlah* (5th Volume; 1st Edition). Najaf: Al-Maktabeh al-Murtsawiyah. (In Persian).
۱۰۵. نجفی، محمدحسن (۱۴۰۰). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام* (جلد ۲۲). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
106. Najafi, M, H., (2021). *Jawaharlal Kalam in the Description of Shariah Al-Islam* (Volume 22). Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. (In Persian).
۱۰۷. نراقی، ملا احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۶ق). *عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام* (چاپ اول). ایران، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
108. Naraghi, M, A, bin M, M., (1416 AH). *The Results of the Days in the Statement of the Rulings of al-Ahkam* (First Edition). Iran, Qom: Publications of the Islamic Propaganda Office of the Seminary. (In Persian).

۱۰۹. نراقی، ملا محمد بن احمد (۱۴۲۲ق). مشارق الاحکام (چاپ دوم). قم: نراقیین.
110. Naraghi, M, M, bin A., (1422 AH). *Mashareq al-Ahkam* (Second Edition). Qom: Naraghin. (In Persian).
۱۱۱. نظریپور، محمدتقی؛ یوسفی شیخرباط، محمدرضا؛ و ابراهیمی، میمنت (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های ممنوعیت غرر در عملکرد بانکداری بدون ربا در ایران (مطالعه مورد: بانک تجارت مشهد). *اقتصاد اسلامی*، ۱۱(۴۳)، ۱۵۷-۱۸۸.
112. Nazarpour, M, T; Yousefi Sheikh Rabat, M, R; & Ebrahimi, M., (2010). Examining the Indicators of the Prohibition of Bribery in the Operation of Interest-free Banking in Iran (Case Study: Bank Tejarat Mashhad). *Islamic Economy*, 11(43), 157-188. (In Persian).
۱۱۳. نوری، سید مسعود (۱۳۷۹). بیع با ثمن شناور. *نامه مفید*، ۶(۲۲)، ۳۳-۷۰.
114. Nouri, S, M., (2000). Selling at a Floating Price. *Useful Letter*, 6(22), 33-70. (In Persian).
115. Adnan A, M, O., (2010). Risk Theory in Islamic Economics; An Applied Study, International Institute of Islamic Thought.
116. El-Gamal, M. (2001). An Economic Explication of the Prohibition of Gharar in Classical Islamic Jurisprudence. *Islamic Economic Studies*, 8(2).
117. Al-Saati, A. (2003). The Permissible Qharar (Risk) in Classical Islamic Jurisprudence. *Journal of King Abdulaziz University: Islamic Economics*, 16(2).
118. Al-Suwailem, S. (2000). Towards an Objective Measure of Gharar in Exchange. *Islamic Economic Studies*, 7(1).
119. Badawi, Z. (1998). The Question of Risk. *Islamic Banker*, 32, 16-17.
120. Chapra, M. U. (2011). The Global Financial Crisis: Can Islamic Finance Help?. In *Islamic Economics and Finance: A European Perspective* (pp. 135-142). London: Palgrave Macmillan UK.
121. Vogel, F. E., & Hayes, S. L. (1998). *Islamic Law and Finance: Religion, Risk, and Return* (Vol. 16). Brill.